

۵- ستم سیستماتیک وارد بر زنان تحت نظام سرمایه داری:

تحت نظام تولید سرمایه داری، همه زنان از ستم رنج می برند. این ستم ناشی از نامساوی بودن حقوق آنان (در مقایسه با مردان) در رابطه با تولید است. برای تعداد کثیری، از زنان یعنی آنان که به طبقه کارگر تعلق دارند، ستم موجود، حاصل مسئولیت های آن ها در خانواده است. ریشه مادی این ستم در تداوم وجود بردگی در خانه است، اختصاص زنان به امور نگهداری از بچه ها و خانه، مانع آن ها از داشتن نقش کامل و مساوی در تولید اجتماعی می شود. زنان یا به طور کلی از زندگی اجتماعی حذف می گردند و یا اگر هم در کار اجتماعی حضور داشته باشند، در زمینه هایی است که اغلب ارتباط مستقیم با اقتصاد خانگی و مهارت های آن دارد. لذا در کشورهای بزرگ امپریالیستی، علیرغم حضور جمعیت زیادی زن در رشته های صنعتی، "کار زنانه" عمدتاً در زمینه پخش کالا به بازار پوشاک، دادن سرویس برای غذا و پذیرایی، خدمات اجتماعی و بهداشتی و نظافت و غیره بوده است. در کارخانه و دفاتر اداری هر جا زنان دوشادوش مردان شاغل بوده و کار می کنند، نوع کارشان به کارهایی که یا نیازی به مهارت ندارد و یا مهارت کمی می خواهد، گرایش پیدا می کند که همیشه کارهایی با پایین ترین میزان دست مزد می باشند. نوع تعلیم حرفه ای دختران و زنان طوری است که همیشه این حالت "خاص" حفظ می شود. مهم تر از همه این که، خانواده همیشه به عنوان مرکز تلقی می شود، اولین مسئولیت زنان که در برابرش هرگونه کار با مزدی، درجه دوم به شمار می رود.

مشاغلی که زنان دارند در ابعاد بسیار بالایی همواره متعلق به زنان باقی مانده اند. به ندرت زنان را می بینیم که در کنار مردهائی هم رده خود از نظر شغلی کار کنند. دلیل آن را نیز در اختلاف درآمد و مزایای آن ها می توانیم ببینیم. لذا قانون تساوی درآمدها که می بایستی می توانست درآمد متوسط زنان را در اغلب کشورها بهبود

بخشد، به شکست برخورد کرده و در بعضی از کشورها درآمد متوسط یک کار تمام وقت برای زنان، در طول دهه های گذشته، نسبت به حقوق مردان پایین رفته است. در بخش های دولتی، عده زیادی از زنان را در سمت های اداری و دفتری مشاهده می کنیم که به طور عمده در سطح پایین اداری، کارهای دفتری انجام می دهند. در بعضی از کشورها، افزایش استخدام زنان، اغلب در شغل های نیمه وقت بوده است که می تواند با مسئولیت خانه تناسب داشته و در عین حال، آن ها را محدود به شغل های کم درآمد با مزایای بسیار ناچیز، مانند حق حفظ شغل، می کند. در کشورهای دیگر، گسترش این مشاغل نیمه وقت اهمیت کمتری می باید (مانند فرانسه) و امکان دولتی برای رسیدگی به بچه ها سطوح و ابعاد وسیع تری دارد و در نتیجه امکان کار کردن را برای مادران با بچه های کوچک، میسرتر می سازد.

وضعیت در کشورهای نیمه کلونیزه تا حدودی فرق می کند. اساس امپریالیسم بر پایه استثمار بی نهایت این کشورهاست و با همکاری سرمایه داران طماع و غارتگر داخلی، قادر است تعداد بی شماری از زنان را برای ساعات بسیار طولانی و در مقابل دست مزد ناچیز، در صنایع تولیدی به کار گیرد. بنابر این، به نفع سودهای کلان سرمایه های امپریالیستی، "انهدام" دیدگاه های ایدئولوژیکی خود را نیز درباره زن لازم می بیند و در راه آن از تسلط سیاسی و اقتصادی بر این کشورهای نیمه کلونیزه هم استفاده می کند.